

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هفتم-شماره اول-بهار ۱۳۹۳-شماره پیاپی ۲۳

«شاعران دانشگاه تهران و جایگاه آنها در ادبیات معاصر»

(۱۳۳-۱۴۸)

مظاهر مصفا^۱، محمد علی شفائی (ع.آبان) (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۹۲/۱۲/۲۵

چکیده

موضوع شاعران دانشگاهی در ایران مربوط به آن دسته از شاعرانی است که پس از تأسیس دانشگاه تهران به عنوان استاد در دانشگاه مشغول بوده‌اند. بهار به عنوان پدر شعر دانشگاهی، آغازگر این جریان است و پس از او شاعران بسیاری تا امروز ظهور کرده‌اند که در مسیر این جریان، تفاوتها و تحولاتی نیز در طی زمان به وجود آمد. به جهت این تفاوتها و ایجاد فاصله شعری از جهات گوناگون و معرفی و بررسی کاملتر آنها، شاعران به سه نسل تقسیم شده‌اند. شخصیت‌هایی مثل بهار، رعدی، حمیدی، خانلری، صورتگر و ... در نسل اول، مصفا، شفیعی، اوستا و ... در نسل دوم و شاعرانی چون قیصر امین پور، سید حسن حسینی، محمد رضا ترکی، صابر امامی، محمد رضا روزبه، امید مجد، حسن دلیری و ... (از دانشگاه تهران و دیگر دانشگاهها) در نسل سوم قرار گرفته‌اند. در این مقاله شاعران در نسل اول و دوم بررسی میشوند و شاعران نسل سوم مقاله‌ای جداگانه را به خود اختصاص داده‌اند.^۳ ویژگیهای شعری نسل اول نسبت به نسل دوم و سوم، با توجه به پیروی از گذشتگان در زبان و شکل و تا حدودی مضمون، کهن‌گراتر است و نسل دوم کمی از محدوده خط کشیده شده گذشتگان پافراتر نهادند و از موضوعات روز و قالب نیمایی استفاده کردند. نسل سوم، هم در شکل و فرم و هم در مضمون نسبت به دو نسل پیش، جدیدتر و متفاوتتر عمل کردند که این امر نشاندهنده سیر و حرکت و پویایی اشعار شاعران دانشگاهی رو به جلوست. در مجموع شاعران دانشگاهی سعی بر حفظ اصالت ادبی و در عین حال پیوند با زمان و زبان عصر خود داشته و دارند؛ به همین جهت جایگاه آنها در ادبیات معاصر همدوش غیر دانشگاهیان و گاه پیشتر از آنهاست.

واژگان کلیدی: شاعران دانشگاهی، سبک، جایگاه، سنت، تجدد، زبان، فکر، نوآوری

^۱ . دکتر مظاهر مصفا، استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

^۲ . دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران. این مقاله برگرفته از پایان نامه دکتری با عنوان «شاعران دانشگاهی» به راهنمایی دکتر مظاهر مصفا می باشد.

^۳ . این مقاله در شماره بعدی همین فصلنامه چاپ خواهد شد (تابستان ۹۳)

مقدمه

شاعران در طول تاریخ و در همه جوامع از منزلت و محبوبیت بیشتری نسبت به دیگر هنرمندان برخوردار بوده‌اند؛ این اقبال گاه از سوی عامه مردم، گاه از سوی خواص و گاهی نیز از هر دو سو بوده است. شاعرانی که به عنوان استاد و مدرس در دانشگاه‌ها به مطالعه و تدریس ادبیات و دیگر علوم اشتغال داشته و دارند اولین تمایزی که در سروده‌های آنها نسبت به غیر دانشگاهیان دیده می‌شود، احترام به پیشینیان و رعایت سلامت زبان و فکر و همچنین عمق بخشیدن به اشعار است. از نظر نگارنده، که خود کمترین از خیل شاعران دانشگاهی نسل سوم به شمار می‌رود، بی‌هیچ تعصب و جانبداری ناستوده اعتقاد دارد «شاعران دانشگاهی وزنه‌های اصلیت و ماندگارتر در شعر و ادبیاتند.» این ادعا، ناقض شاعران بزرگ غیر دانشگاهی در معنی امروزی نیست، بحث در حیطه زمانی هشتاد سال اخیر ایران است که دانشگاه در ایران تأسیس گردید.

شاعران دانشگاهی در ایران از استاد بهار به عنوان پدر شعر دانشگاهی تا امروز با عنایت به تفاوت‌های بیانی و فکری و زبانی می‌توانند به سه نسل تقسیم شوند؛ نسلی که با پابندی به قالب‌های کلاسیک، موضوعات جدیدتر را در شعر مطرح کردند؛ مثل بهار، حمیدی، رعدی و ... (۱۳۰۰ تا ۱۳۵۵) نسلی دیگر که از نظر زمانی پس از نسل اول ظهور کرده که هم در قالب و هم در نگاه و موضوع متفاوت، جلوه دیگری داشته اند؛ مثل دکتر مصفا، دکتر شفیعی کدکنی و ... (۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵) و نسل سوم، نسلی که عمدتاً در حیطه زمانی انقلاب اسلامی با قالب‌های متفاوت‌تر و زبان و موضوع جدیدتر نسبت به دو نسل قبل ظهور کرده‌اند؛ که در دانشگاه‌های گوناگون کشور مشغول تدریس بوده‌اند. مثل سید حسن حسینی، قیصرامین پور و ... (۱۳۷۵ تا امروز) یادآوری می‌شود این تقسیم بندی، تقریبی و بر اساس ویژگی‌های مشترک شعری در محدوده شاعری حتی قبل از تأسیس دانشگاه بوده نه صرفاً سال شمار زندگی. این مکتوب به اجمال در اثبات شاعری شاعران دانشگاه تهران به نسل اول و دوم دانشگاهی می‌پردازد. و شاعران نسل سوم در مقاله‌ای دیگر بررسی خواهند شد.

«نسل اول»

ملک الشعرای بهار (۱۳۳۰-۱۲۶۵)

محمد تقی صبوری ملقب به ملک الشعرا بهار در بیستم آذر (۱۲۶۵ ه.ش) در مشهد به دنیا آمد. و پس از اوج و فرودهای زیاد در مسائل سیاسی و ادبی و نگارش آثار فراوان و تأسیس نشریات گوناگون در اول اردیبهشت ماه سال (۱۳۳۰ شمسی) بر اثر بیماری سل درگذشت.

«شاخصه‌های شعری بهار»

الف: شکل و قالب

دیوان بهار حاوی اشعار گوناگون در قالب و شکل است. قصیده، مثنوی، قطعه، غزل، مسمط، ترکیب بند، ترجیع بند، رباعی و دوبیتی تزیین و ترانه همگی در نوع خود متفاوت‌اند. اما شاخص‌ترین قالب شعری

بهار قصیده است که به زعم عده ای خاتم شاعران قصیده‌گو لقب گرفت (محمد حقوقی، ادبیات امروز ایران، ص ۴۵۷)

ب: زبان اشعار بهار

برای بررسی دایره زبانی و همچنین فکری بهار، باید به سه دوره شعری او توجه داشت. دوره اول شاعری بهار (از دوره سکونت بهار در خراسان تا اوایل مشروطه) چه در زبان و شعر و چه نگاه با تأسی و اقتفا از شاعران سبک خراسانی همراه است.

دوره دوم (مرگ مظفر الدین شاه تا ۱۳۲۰) مقارن با حرکت سیاسی و جنبشهای اعتراضی و مبارزات، زاویه دید بهار نسبت به انتخاب زبان و جنس واژه‌ها به سمت زبان و بیان روز می‌چرخد و از اصطلاحات و ترکیبات و سازه‌های زبانی استفاده می‌کند که او را از تأسی و پیروی ارادتمندان دوره اول نسبت به شعر گذشته جدا می‌کند.

دوره سوم شاعری بهار (۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰) مقارن است با کمال شاعر در شعر و تفکر و زبان توأم با رعایت جانب احتیاط در برخورد با موارد گوناگون سیاسی و اجتماعی و تحقیقی.

ج: فکر و اندیشه بهار

بهار در دوره اول سعی دارد مثل پیشینیان ببیند و فکر کند و بنویسد. «اشعار بهار در دوره [دوم] بسیار پرشور و گرم و صمیمی است و استادی و هنرمندی گوینده، سخن او را در سطحی بالاتر از آثار همه شعرای عهد انقلاب [مشروطه] قرار می‌دهد. (از صبا تا نیما، یحیی آرین پور، جلد ۲ ص ۱۲۶)

دوره سوم بهار را میتوان دوره کمال فکری، تحقیق و پژوهش، تدریس در دانشگاه همچنین کناره گیری از مسائل سیاسی دانست. قصیده «جغد جنگ» سروده این دوره است

د: نوآوری و تازه‌گویی

تازه‌گویی و تازه اندیشی بهار در عموم اشعار او به ویژه سه قصیده ((دماوندیه، جغد جنگ و لزنیه)) او هنوز مورد تأیید و تحسین اهالی شعر و ادبیات است. کثرت موضوعاتی که بهار درباره آنها شعر سروده به یکصد و بیست حوزه میرسد که تقریباً در تاریخ ادبیات بی نظیر است، از کودکی و مکتب و مطبخ گرفته تا آزادی و میهن پرستی و سیاست و
.....

دکتر پرویز خانلری (۱۳۶۹-۱۲۹۲)

سال ۱۲۹۲. ش در تهران به دنیا آمد. در ۳۰ سالگی مدرک دکترای ادبیات فارسی گرفت. همزمان به تدریس شعر و تحقیق پرداخت و سال (۱۳۶۹) وفات یافت. «ماه در مرداب» تنها مجموعه شعری اوست.

شاخصه های شعری خانلری

الف: شکل و قالب

آنچه در قالب شعری خانلری جلب نظر میکند، انتخاب قالب نیمایی قبل از شفیعی کدکنی و توجه به بخش تغزل قصیده و مثنویهای متفاوت اوست که شعر «عقاب» شاخصترین مثنوی و امتیاز او نسبت به دیگر شاعران نسل اول است.

((ماه در مرداب)) با حدود ۸۰ صفحه قالبیهایی چون: دوبیتی پیوسته، مثنوی، غزل، نیمایی، قصیده و قالبهای ترکیبی را در خود جای داده است.

عشق، ارشاد، تعلیم، انسان دوستی، آرمان طلبی و عظمت‌های معنوی و فکری محتوای کلی کتاب است.

ب: زبان خانلری

زبان شعری خانلری نوعی زبان بنیابین و معتدل همراه با چاشنی عاطفه و جامعه است که بعدها ردپای آن در اشعار تولّی، نادرپور، مشیری و ... دیده میشود.

«عده کثیری از شاعران پیرو قدیم به همین سبب مرا مرتد می‌شمردند و به کنایه و ایهام این گناه مرا نمی بخشیدند. (مقدمه «ماه در مرداب»، به قلم خانلری، ص ۹)

ج: فکر و اندیشه خانلری

خانلری در مضامین شعری نیز آنگونه که خود در مقدمه اشاراتی دارد چندان تنوع و تازگئی نسبت به دیگر شاعران هم‌نسل خود ندارد. و سکوی پرتاب خانلری در شعر، مثنوی «عقاب» اوست. که در اندیشه، فرم، ساختار، زبان و بیان اثری ستودنی است به همین جهت نام خانلری با شعر عقاب مراعات نظیر شده است.

د: نوآوری و دید تازه:

خانلری در زبان و بیان نوآور نبود با آنکه از سال (۱۳۰۸ تا ۱۳۱۲) بین خانلری و نیما نامه‌نگاری صورت میگرفت و نیما او را به دلیل پیروی از گذشتگان سرزنش میکرد ولی جز آنکه چند شعر در قالب نیمایی بسراید و بعضاً دست در تعداد ابیات رشته‌های چهار پاره ببرد و از واژه‌های امروزی استفاده کند، نوآوری خاصی که به یک جریان یا یک راه جدید با پیروان جدید ختم شود نداشته است.

دکتر مهدی حمیدی (۱۳۶۵-۱۲۹۳)

سال (۱۲۹۳.ش) در شیراز به دنیا آمد. پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه لیسانس و دکتری ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران اخذ کرد و سالها در همین دانشگاه به تدریس ادبیات اشتغال داشت سال (۱۳۶۴) در تهران درگذشت. مجموعه شعرهای «اشک معشوق» «ده فرمان» «زمزمه بهشت» «فنون شعر و کالیدهای پولادین آن» «شکوفه‌ها» «پس از یک سال» و «سالهای سیاه» از او به چاپ رسید.

شاخصه شعری حمیدی

الف: شکل و قالب

او به اعتقاد بسیاری در همه قوالب شعری، آثاری ماندگار و مستحکم پدید آورد.

دکتر شفیعی کدکنی در قالبهای شعری او می گوید: «حمیدی در عرصه‌های گوناگون سخن پارسی شاهکارهای ارجمندی به یادگار گذاشت. از قصایدی مانند «گیسوان سپید»، «روز آخر سال»، «بر مرگ رشید یاسمی ... مثنویهایی مانند «بت شکن بابل»، «موسی»، «مرغ طوفان» تا قطعاتی از قبیل «سقراط»، «پند شاعرانه... تا چهار پاره‌هایی مانند «مادرم در آخرین روزهای زندگی»، «در امواج سند و حتی غزلهایی از جنس «آیا پرسیده اید؟ «مرگ قو» و قوالب نه چندان رایج عصر از قبیل مسمط و ترکیب بند هم شعرهای خواندنی و دلپذیر سرود (به نقل از «شبی هم در آغوش دریا» محمد خلیلی ص ۱۳- ۴۷).

ب: زبان حمیدی

زبان حمیدی با آنکه متأثر از گذشته بود اما رنگ و بوی متفاوتی دارد و «نو خراسانی» نام می گیرد که بعدها در زبان اخوان و اوستا ظهور میکند. «او زبان فرخی و منوچهری و فردوسی و دیگر بزرگان قرن چهارم و پنجم را با تلفیقی از اجرای زبان عصر، زبان ویژه خود کرده و در این کار توفیقی چشمگیر به دست آورده بود» (شفیعی کدکنی، به نقل از مقدمه «شبی در آغوش دریا» خلیلی، ص ۴۷- ۳۹)

ج: فکر و پیام حمیدی

حمیدی از نظر فکری و مشرب نگرشی بین شاعران دانشگاه نسل اول تفاوت‌های چشمگیری دارد که به اجمال میتوان این گونه برشمرد:

- ۱- برخلاف بهار، خانلری، رعدی، و ... شاعری رمانتیک است حداقل در نیمه اول شاعری
- ۲- شاعری با تفکر ملایم در وطنخواهی و موضوعات اجتماعی، در حالیکه بهار یک وطنخواه جدّی و وطنخواهی از موتیفهای اصلی شعر اوست.
- ۳- عمده ترین تفاوت او با دیگر شاعران دانشگاهی، جدال و مخالفت شدید او با نوسرایان به ویژه سپید سرایان بود.
- ۴- دور بودن از تفکرات سیاسی، «حمیدی اصلاً تفکرات سیاسی نداشت، یعنی فرصت این کارها را نداشت، از بس که غرق در شعر و دنیای شعر بود» (بخشی از گفتگوی نگارنده با همسر حمیدی خانم ناهید حمیدی (عصمت افخم) در منزل شخصی آنها تابستان ۹۱).

د: نوپردازی و دید تازه

دیدهای تازه حمیدی در دو کتاب «سالهای سیاه» و «طلسم شکسته» اتفاق می افتد. «سالهای سیاه» یک جهش حیرت آور حمیدی در موضوع و زبان تلفیقی و ترکیبات متفاوت و ساخت موفق بود. این اثر یک اثر مضمون سالار و از نظر قدرت شعری با دیگر اشعار شاعر متفاوت است زبان متفاوت، ترکیبهای متفاوت، ساخت و پرداخت موفق برای انتقال پیام و همخوانی لفظ و محتوا، زبان اثر را نیز متعالی ساخته است. در این اثر، حمیدی با جسارت و اعتراض علیه رفتار و کردار زمامداران امور و تاختن به بدخواهان ایرانی و بیان احساسات عالی میهن پرستان و مصائب تاریخی ایران تا دوره خود پرداخته که تا آن روز کمتر پرداخته شده بود و به همین جهت بین مخاطبان به «شاعر ملی» ملقب و معروف شد.

کتاب «طلسم شکسته» که همراه با دیدگاههای نوجویانه و خروج از هنجار و قواعد سنتی در زبان است، او را از شاعران پیشین متمایز ساخت.

دکتر لطفعلی صورتگر (۱۳۴۸-۱۲۷۹)

لطفعلی صورتگر در سال (۱۲۷۹ ش) در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و بخشی از متوسطه را در شیراز و ادامه آن را در هندوستان گذراند. حدود سال (۱۳۰۶ ش) در لندن مدرک لیسانس و (۱۳۱۸) دکترای رشته زبان و ادبیات انگلیسی را دریافت کرد و تا سال (۱۳۴۸) که به دیار باقی شتافت در دانشگاه تهران ادبیات فارسی و انگلیسی تدریس میکرد.

شاخصه‌های شعری

الف: شکل و قالب

صورتگر نیز در انواع قالب شعری، خود را آزمود به ویژه قالبهایی چون قصیده، مثنوی، غزل و قطعه. و شعر معروف او با نام «مرغ شب» در قالب قطعه سروده شده است.

ب: زبان

صورتگر در شعر از نظر زبان و شکل به سبک قدما به ویژه سبک خراسانی متمایل بوده اما نگاهی نوتر هم به زبان و هم مضمون داشت. و خود در بیتی به نوگرایی خود اشاره دارد.

سخن تازه گویم به شیوه کهن
چنین است تا هست آئینش
غلامحسین یوسفی درباره او میگوید:

« زبان شعر صورتگر در عین برخورداری از واژگان و شیوه فصیح پیشین، زبانی است پرمایه و خلاق»
(چشمه روشن ص ۵۳۳).

ج: فکر و اندیشه

در موازات شاعران سنتی سراگاه توصیف گاه حدیث نفس و گاه نیز از فلسفه انسانی و اجتماعی در اشعارش با دوربین تجربه شده شعر گذشته سخن میگوید.

د: نوآوری و دید تازه

در اشعار صورتگر که حدود هشت هزار بیت است، جز برخی ترکیبات نوپدید و بعضاً موضوع متفاوت مثل مرغ شب آویز یا توصیف متفاوت از برخی امور یا شهرها مثل شیراز، نگاه و زبان، فضای تازه ای که جریان ساز و سبک انحصاری او باشد، به چشم نمی آید.

جلال الدین همایی «سنا» (۱۳۵۹-۱۲۷۸)

در دی ماه (۱۲۷۸ ش) در اصفهان زاده شد. پس از کسب علوم دینی در مکتب خانه و سپس در مدرسه «قدسیه» در علوم دینی به اجتهاد رسید و به سمت استادی در دانشگاه تهران درآمد.

همایی شاگردان زیادی پرورش داد و آثار فراوانی نوشت و دیوان شعری از او باقی مانده، نهایتاً تیرماه (۱۳۵۹) به دیدار حق شتافت.

شاخصه های شعری همایی

الف: شکل و قالب

در قالبهای گوناگونی مثل قصیده، مثنوی، قطعه، غزل و ... طبع آزمایی کرد و از پس قالبها نیز با مهارت و شناخت کامل برآمد. به ویژه مثنوی معروف «پایان شب سخن سرایی/ می گفت به سوز دل همایی» و قطعه حسود «باغ را آفتی چو پیچک نیست/ که به سرو و گل و سمن پیچد» و برخی غزلیات سربلند بیرون آمد.

ب: زبان همایی

زبان همایی بر اساس سبک قدما به ویژه خراسانی استوار است. اما در برخی از شعرها به ویژه قطعه «حسود» تصاویر و ترکیبهای تازه فراوان دارد.

ج: فکر و پیام همایی

همایی درس خوانده علوم دینی بود. فکر و اندیشه او با تأثیر از تعلیمات دین و اخلاق و انسان دین مدار، رنگ تعلیمی داشت. تذکر به حذف صفات ناپسند و نازل و هدایت مخاطب برای رسیدن به آرمانهای دینی و اخلاقی و انسانی درونمایه اشعار همایی است.

د: نوگرایی و دید تازه

«همایی اشعار خود را نمی پسندید و معتقد بود اشعاری که در دوره او ساخته می شد نه چون سخنان بزرگان شعر فارسی است و نه تازه و نو» (از نیما تا روزگار ما، آراین پور، ۱۶۴) البته این عقیده احتمالی خود شاعرست که به شعر خود فروتنانه نگریسته و گر نه قصیده ای که در وصف فردوسی سروده و در آرامگاه طوس نصب شده به تنهایی گواه مبینی بر فخامت و استواری شعر همایی است.

استاد بدیع الزمان فروزانفر (۱۳۴۹-۱۲۸۳)

جلیل ضیاء که بعدها به توصیف قوام السلطنه (احمد قوام) به بدیع الزمان ملقب شد. در تیر ماه (۱۲۸۳.ش) به دنیا آمد پس از کسب علوم قدیم از محضر استادان بزرگ و تلاش فراوان در تحقیق و تدریس سال (۱۳۴۹) در تهران درگذشت.

شاخصه های شعری فروزانفر

الف: قالب و شکل

قصیده، مثنوی، قطعه، غزل، رباعی، ...

ب: زبان شعر فروزانفر

متأثر از سبک قدما به ویژه خراسانی اما با تصرف اجمالی در ساخت زبانی شعر با بهره گیری از واژه های روز. به ویژه قصیده معروف و متفاوت «راه آهن» که اساس زبان شعر به شعر قدماست اما با آمیزش واژگان کهن و روز، توانست زبانی تلفیقی و متفاوت ارائه دهد.

ج: فکر و پیام فروزانفر

تعلیمی و توصیف و ارشاد

د: نوگرایی و دید تازه

فروزانفر نسبت به همایی، صورتگر و حتی حمیدی هر چند کم گفت اما متفاوت گفت . کمتر شاعری در آن زمان به راه آهن و قطار و توصیف آن با استعانت از واژه های کهن برآمده بود، ولی فروزانفر با همین یک شعر ثابت کرد که دیدی تازه و حس و شوقی نوگرایی در شعر دارد؛ اما او نیز چون همایی نه فرصت شعر گفتن داشت و نه علاقه حریفه ای به شعر و به تعبیر شفيعی کدکني «اگر فروزانفر در شعر حرفه‌ای عمل میکرد و دقت کافی میکرد امروز به جای یک بهار، دو بهار داشتیم.» (مقدمه دیوان فروزانفر)

غلامعلی رعدی آذرخشی (۱۳۷۸ - ۱۲۸۸)

سال (۱۲۸۸.ش) در تبریز زاده شد . پس از طی مراحل مقدماتی به تهران آمد و پس از اخذ مدرک دکتری به استادی دانشگاه تهران دست یافت. تا اواخر عمر، مورد توجه و احترام اهالی ادبیات بود و از قلم او را بسیار ستودند.

شاخصه‌های شعری او

الف: شکل و قالب

رعدی از دیگر شاعران دانشگاهی است که در انواع قالب شعری طبع خود را آزمود، قصیده، غزل، مثنوی ، مسمط و ... که از بین قالبهای گوناگون تنها قصیده او را به عنوان یک شاعر توانا و قابل اعتنا معرفی کرد.

در دیوان او میتوان شاهد قالبهای گوناگون مثل قصیده، غزل، مثنوی، مسمط، و... بوده اما به قصیده و غزل توجه بیشتری داشت. غزلهای چشمگیری نیز میتوان دید که با تأسی از سبک قدما اما با تنوع ردیف و قافیه و برخورد او با برخی ترکیبات که به اشعار تازگی داده است.

ب: زبان شعری رعدی

با آن که رعدی سواد و مطالعه آکادمیک داشت اما از حرکتها و جریانهای روز جامعه به ویژه انتخاب زبان ساده‌تر و شیواتر غافل نبود تا آنجا به زبان فارسی و سلامت و حرمت آن پایبند است که در قصیده چهل و نه بیتی "نگاه"، بین حدوداً ۸۰۰ واژه، تنها یک واژه عربی (بنیان) در آن استفاده شده است.

«وی چنانکه در ژرفای گفتار او پیداست در بیان احساس و اندیشه سخنوری اصیل، نو آور و مبتکر است» (مقدمه دیوان رعدی، دکتر حسینی خطیبی، به نقل از «بهار تا شهریار» ص ۴۷۳)

همین سادگی، فارسی گرایی و تازه گویی او را در زبان از دیگر شاعران نسل اول متمایز کرده است.

ج: فکر و پیام اشعار رعدی

این که شاعران بزرگی چون بهار، دهخدا و رشید یاسمی، وحید دستگردی و یوسف اعتصامی، رعدی را هنگام ثبت نام در هیجده سالگی در دانشکده حقوق می‌شناختند و از اشعار او خوانده بودند، نشان از آن میداد که او شاعری با فکر و حرفهای توجه برانگیز و قادر بر بافت و یافت کلام شعری بود. رنگ پنهان اعتراض علیه نابرابریها و نارواییها، ارشاد و دستگیری مخاطب جهت نیل به رستگاری، توجه به بعد غنایی آثار، احترام به حس ایرانیگری و وطنخواهی، توجه و تذکر به قناعت و عزت نفس از بسامد فکری اوست.

د: نوآوری و دید تازه

رعدی از آن دست شاعرانی است که نوآوریهای او چون بهار، حمیدی، خانلری و ... در متن و بطن اثر اتفاق می‌افتد و این ویژگی شاعران تازه‌گویی است که با رعایت ساخت و شکل ظاهری و سابقه دار ادبیات یعنی قوالب معروفتر شعر گفته اند.

همین که پذیرفته شود چکامه‌ای چهل و نه بیتی با آن شیوایی و فصاحت و بیان سالم آن هم در موضوع واحد، نگاه، از هشتصدکلمه (حدوداً) یک واژه، عربی به گفته شاعر، به عمد استفاده شود، در جای خود نوآوری است. یا نگاهی که به زبان و نگرش و نوع کشف و شهود در عالم هستی به ویژه در شعر «نگاه» دارد از نوآوریهای بی مانند است.

شاعران دیگری چون دکتر محمدحسین علی آبادی، شعر معروف «خاکستر»، احمد بهمنیار، پورداوود، علی اصغر حکمت، رشید یاسمی، نصرالله فلسفی، معینی و برخی دیگر هر کدام شعرهایی سالم و هدف دار در ادبیات معاصر سروده اند که هر چند اندک، ولی پر مغز و مؤثرند. هر چند در ایجاد جریانی تازه و متفاوت چندان سهمی ندارند.

"نسل دوم"

شاعران نسل دوم که عموماً از شاگردان نسل اول محسوب میشوند، ضمن پاسداشت و رعایت نسبی روشها و متدهای استادان خود، در مجموع راه جدیدتری نیز آغاز کردند و رویکردی جدید به موضوعات و قالب نیمایی (شفیعی کدکنی) و تغییر مظروف قالبی چون قصیده (مصفا و اوستا) هم به سبک و سیاق فردی رسیدند و هم جریانسازی کردند.

بطور خلاصه مهمترین تفاوتهای نسل دوم نسبت به نسل اول:

- ۱- آماده بودن زمان برای خروج از فرم و هنجار تثبیت شده گذشته، شاعران نسل دوم را آسوده تر به خروج از قاعده سنتی سوق داد.
- ۲- گسترده تر بودن جهان بینی شاعران نسل دوم.
- ۳- استقبال قالبهای جدید از طرف شاعران نسل دوم.
- ۴- شعرهای اعتراضی و بعضاً شعاری نسل اول جای خود را به شعرهای سمبلیک همراه با شکوههای پنهان و حدیث نفس داد.
- ۵- ورود طیفی از واژههای فلسفی و عرفانی و ایدئولوژیک در شعرها به ترتیب مصفا، شفیعی، اوستا.

دکتر مظاهر مصفا

یکم مهرماه (۱۳۱۱) در شهر اراک دیده به جهان گشود. تحصیلات مقدماتی‌اش را در قم و دارالفنون گذراند. مدرک دکتری خود را با رساله "قصیده و تحول آن" دریافت کرد. سالها در دانشگاه تهران با سمت استاد تمام وقت و مدیر گروه دانشکده ادبیات فعالیت پررنگی داشت استاد مصفا، هم اکنون از تدریس کاملاً فاصله گرفته است و در منزل اوقات خود را با دیدار گاهگاهی دوستان و شاگردان قدیم و با اندکی دل‌آزردگی از روزگار میگذراند.

شاخصه های شعری مصفا

الف: شکل و قالب

دکتر مصفا با آنکه در قالبهای گوناگون شعر ساخته، اما نام و قلم او با قالب قصیده گره خورده است. مثنوی، غزل، قطعه، چهار پاره، ترکیب بند و ... از دیگر قالبهای مورد توجه بیشتر اویند. دفترهای شعری مثل "چهل چکامه، سی سخن، ده فریاد، سی پاره، شبهای شیراز، طوفان خشم" را در سالهای دور به چاپ رساند اما عظمت قصاید او دیگر اشعارش را در محاق قرار داد. "او به برکت قریحه روشن و طبع خداداد، مضامینی گونه‌گون را در قصاید استوار خود میپردازد و اندیشه‌ها و احساسات خویش را با زبانی روشن و رسا، با اصالتی دیرینه بیان میکند" (ادبیات معاصر از مشروطیت تا امروز، نوروزی، ص ۴۰۷).

از ویژگی منحصر به فرد قصیده‌های مصفا کنارآمدن با ردیفهایی است که تا امروز در آن کمتر کار شده است. ردیفهایی چون "هیچ"، "دست"، "پای"

ب: زبان مصفا

مصفا در معماری زبان شعر، استاد به تمام معناست، به خوبی از پس دو لایه بیرونی و درونی زبان بر می آید و به تعبیر خودمانی، سوار بر زبان است. قصاید هیچ، چشم، دست، پای، گریه گرید، زلزله گیلان، گریه تاریخ و بسیاری دیگر که با خواندن آنها جز آن که برابر معماری کلام و بافت زبان سر تعظیم فرود آوری، گزیری نیست. او با پشتوانه ادبی و شعری قابل تحسینی که دارد دو عنصر صوری و معنوی زبان را با موفقیت در متن شعرها جاری می کند. شکل صوری یا برونه زبان در برگیرنده واژه ها، ترکیبات، خلاقتهای زبانی، گزینش واژگان، نوع برخورد شاعر با واژه‌ها و مفردات و نحو زبان است و شکل درونه زبان سنخیت و روابط علی و معلولی بین واژه‌ها و عبارات و مصراعها و ابیات در ساختار افقی و عمودی است. نکته دیگر در زبان مصفا ویژگی "سهل ممتنع" است. که در تمام قصایدش این ویژگی آشکار است.

د: فکر و پیام مصفا

محتوا و درونمایه شعرهای مصفا در ابتدا چون عموم شاعران کمی رنگ غنایی خاکستری و سیاه و یا شکوه های منبعث از فاصله های شاعر با مقصود و منظور دارند اما رفته رفته صاحب یک مشرب فکری و جهان بینی بزرگ شده است.

حیرت بزرگ و فلسفی و خیالمانه او در اغلب سروده ها به ویژه قصیده "هرگز، هیچ" آشکار است. صلاح الصاوی در کتاب نقد ادبی خود با عنوان "العدمیه فی الشعر" درباره این قصیده میگوید: "قصیده" هرگز، هیچ"، نه تنها از امهات قصاید فارسی است بلکه میتوان گفت هیچ نظیری ندارد". (به نقل از ادبیات معاصر از مشروطیت تا امروز، جهانبخش، ص ۴۰۸).

از اصلیتترین فکرها و پیامها در اشعار مصفا به ویژه قصاید او به اجمال چنین است:

- شکوه از گذر عمر
- شکوه های فلسفی
- طرح پرسشها برابر ابهام آفرینش
- تلفیق دو بعد عاطفی و فلسفی
- تلفیق حیرت عارفانه و تفکر خیامی
- استفاده بجا از طنز
- استرجاع
- صداقت در بیان
- توجه و همدردی با درد های اجتماعی - اعتراض بر روزگار و رفتارهای آن

د: نوآوری و دید تازه

- استخدام واژه های رسمی از اعضای پیکر انسان مانند دست، پای و چشم و مخاطب سازی آنها یا اسمهای معنایی مثل هیچ، گرید، شب و سرد در قصاید فارسی با این ساخت و نگاه چندان نظیر و سابقه ندارد. ایجاد چنین شبکه ای در موسیقی کناری قصاید خواه نا خواه از نوآوریهای شاعر در شکل شعر محسوب میشود.

- خلق ترکیبهای جدید در عین حال خوشتراش و نرم و ماندگار

- مصفا را میتوان خیام قصیده لقب داد. چون کسی پیشتر از او در این قالب با این فصاحت و شیرینی تفکر فلسفی از نوع خیامی را نگنجانده است.

دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی

او سال (۱۳۱۸. ش) در کدکن نیشابور به دنیا آمد. دوران کودکی و نوجوانی را با طلبگی اما ناتمام و بی علاقه پشت سر گذاشت سال (۱۳۴۴) با کسب مدرک کارشناسی ارشد و دکتری ادبیات به عضویت علمی دانشگاه تهران در آمد.

گذشته از آثار تحقیقی و پژوهشی، تا امروز دو مجموعه کامل شعری از او به چاپ رسیده است. "آینه ای برای صداها" و "هزاره دوم آهوی کوهی" که به ترتیب شامل هفت دفتر و پنج دفتر شعرند که به ترتیب عبارتند از "زمزمه ها، شبخوانی، از زبان برگ، در کوچه باغ های نیشابور، مثل درخت در شب باران، از بودن و سرودن، بوی جوی مولیان، مرثیه‌های سرو کاشمر، خطی ز دلتنگی، غزل برای گل آفتابگردان، در ستایش کبوترها و ستاره دنباله دار.

شاخصه های شعری شفیعی

الف: شکل و قالب

اگر خواسته شود از نظر شکل و قالب آثار شفیعی نمره اول را به قالبی داد، مسلماً قالب نیمایی است. از اولین مجموعه اش "زمزمه ها" تا یازده اثر بعدی، قالب غالب در شعرهایش همان نیمایی است؛ به همین جهت بعد از نیما و اخوان، او چهره شاخص شعر نیمایی محسوب میشود.

ب: زبان شفیعی

مهمترین رویداد تاریخ بشر پس از اندیشیدن، زبان است. زبان آشکارترین و مهمترین سند فکری هر انسانی است.

زبان در اشعار شفیعی، یک زبان تجربه شده در نزد دانشگاهیان، سربلند از آزمون در آمده است. چون اساس و بنیان زبان شفیعی خراسانی و متأثر از زبان خراسانی نو اخوان ثالث است. او نه چون نیما صرفاً زبان اجتماعی دارد و نه چون اخوان اغلب حماسی، بلکه با آمیزش این دو و افزودن زبان عرفانی، یک زبان متفاوتتر در سروده‌هایش به کار گرفته میشود.

ج: فکر و پیام شفیعی

اما شفیعی با انتخاب شیوه‌های بیانی متفاوتتر - دوری از قصیده و روی آوری به نیمایی - اولین گام‌رهای از شعر گرفتار را برداشت و با وارد کردن موضوعات متفاوت مثل اعتراض، حرکت، ایستادگی جامعه و عرفان با زبان نسبتاً متفاوت کاملاً از آفت تکرار و تقلید رها شد. مهمترین موضوعات فکری و اندیشه مدارانه شفیعی در اشعار او خلاصه وار عبارتند از

- موضوعات اجتماعی
 - موضوعات عرفانی
 - موضوعات اعتراضی
 - دبستگی به سنت و فرهنگ گذشته
 - اظهار ارادت به شخصیت‌های بزرگ
 - توجه به طبیعت
 - تلفیق حماسه و جامعه و به تعبیر حمید زرین کوب (شعر نو حماسی و اجتماعی)
- "یکی از مهمترین ویژگی‌های شعر شفیعی، اجتماعی بودن آن است. شعر وی عمیقاً اجتماعی است. (رضا رحیمی، به نقل از سفرنامه باران، عباسی، ص ۱۲۳).

د: نوآوری و دید تازه:

دید تازه و متفاوت شفيعی را میتوان چنین بر شمرد:

- هوشیاری در دریافت ناکارآمد بودن قصیده
- انتخاب قالب نیمایی.
- توجه کافی به موسیقی شعر
- تغییر مسیر ناگهانی از دیگر استادان شاعر با مجموعه شب خوانی به ویژه با "از زبان برگ".
- خلق ترکیباتی جدید.
- تلفیق دو دیدگاه سنت و تجدد.

مهرداد اوستا (۱۳۷۰-۱۳۰۸)

محمدرضا رحمانی با نام شاعری مهرداد اوستا سال (۱۳۰۸ ش) در بروجرد به دنیا آمد. تحصیلات و مطالعاتش را در رشته هنر، فلسفه، ادبیات، منطق و روانشناسی ادامه داد و نهایتاً در دانشکده هنر دانشگاه تهران به تدریس هنر نمایشی پرداخت. و سال (۱۳۷۰ ش) بر اثر سکته قلبی در گذشت.

شاخصه‌های شعری او

الف: شکل و قالب

او بیشتر در دو قالب قصیده و غزل شعر میگفت، که در قصیده از شاعران قرون چهارم و پنجم و ششم امثال ناصر خسرو، خاقانی، فرخی، منوچهری از متقدمان و بهار از عصر حاضر تأثیر میپذیرفت. غزلهای او نیز روان و با ویژگیهای غزل امروز و سبک عراقی سروده میشد.

ب: زبان

زبان و لحن اوستا در شعرها به ویژه در قصیده که اشتهار بیشتر در این قالب دارد، متأثر از خراسانی ولی با دخل و تصرف واژگانی و نحوی در آنها به شکل جدیدتری به خود گرفته است؛ به همین جهت به زبان و سبک شعر او خراسانی نو لقب داده اند، اما زبان غزلیات او نسبت به قصایدش به شعر امروز نزدیکتر است.

ج: فکر و پیام

تفکر اوستا یک تفکر دینی و در نیمه دوم زندگی متأثر از شعائر انقلاب بود. و تفکرات و نگرشهای کلی او بر باورهای دینی و مذهبی و اخلاقی استوار و تا حدودی عشق استوار بود.

د: نوآوری و دید تازه

نام خراسانی نو بر اشعار او دلیلی است که اوستا چه در اندیشه و چه در بافت و یافت زبان و ساخت شعری حرکت‌های تازه‌ای کرد. استفاده از ردیفهای امروزیتر، واژه‌های به روزتر، تصاویر ملموس و عینی در قصاید و غزلیات بیانگر دید تازه اوستا به شعر است.

خسرو فرشیدورد (۱۳۸۸-۱۳۰۵)^۱

وی تحصیلات خود را تا چهارم متوسطه قدیم در زادگاه خود ملایر گذراند سپس تهران آمد و از دبیرستان البرز در سال ۱۳۲۶ دیپلم ریاضی گرفت. او در آنجا با شادروان دکتر ذبیح‌الله صفا آشنا شد که تاثیر عمیقی در فکر و روح او بر جا نهاد. وی در سال ۱۳۴۲ از دانشگاه تهران دکرای ادبیات فارسی گرفت و بعنوان استادیار راهی دانشگاه اصفهان گردید. در سال ۱۳۴۷ به دانشگاه تهران بازگشت و در سال ۱۳۷۶ بازنشسته شد.

از وی سه دفتر شعر با نامهای حماسه انقلاب (چاپ ۱۳۵۸)، زمیمنت دفاع کن (چاپ ۱۳۶۰) و صلاى عشق (چاپ ۱۳۸۰) مجموعاً حدود پنج هزار بیت بچاپ رسیده است.

شکل و قالب

غزل و قصیده عمده‌ترین قالبهای مورد استفاده اویند. چند مثنوی و یک شعر به سبک آزاد نیز در کارنامه او دیده میشود.

زبان

زبان فرشیدورد زبانی کاملاً پخته و امروزی است. وی از لغات کهن و مهجور در شعر خود هیچ استفاده‌ای نکرده و از لحاظ نحوی نیز کاملاً پایبند زبان معاصرست. ویژگی سهل و ممتنع برازنده زبان اوست:

پائیز رفته‌های مرا آورد به یاد غمهای جانگزای مرا آورد بیاد
مرگ بهار و سبزه و گل مرگ خرمی مرگ امیدهای مرا آورد بیاد

فکر و اندیشه

اندیشه فرشیدورد، اندیشه‌ای آزاده‌اندیش و میهن‌پرست و حق‌شناس است. چنانکه اشعار فراوان و بدیعی درباره میهن پرستی دارد. وی همچنین در سوگ استادان خود (مانند دکتر معین)، مرثیه‌هایی سروده که نشان وفاداری و حق‌شناسی اوست. روحیه عاطفی فرشیدورد، خالق دهها غزل بسیار دلکش است که برگزیده آنها را در صلاى عشق بچاپ رسانده.

لطافت و محبت در غزلهای او موج میزند و مضامین بسیاری از آنها تازه است؛ غزلهایی با مطلع:

این شعر میماند بجا بعد از من و تو این نغمه میماند بجا بعد از من و تو
نامه عید تو یکباره پریشانم کرد آتش زد به دلم شعله سوزانم کرد
بیا دختر آرزوهای من شو بیا شعر رنگین و شیوای من شو

تازه‌گوئی و نو آوری

به بخشی از تازه‌گوئیهای او در سطور قبلی اشارتی رفت. از نظر مجد، بهترین نکته در شعر فرشیدورد پیشگامی او در شعر انقلاب و جنگ است. اگرچه امروز نامی از او در ادبیات پایداری برده نمیشود دو دفتر شعر او که در سالهای ۵۸ و ۶۰ چاپ شده‌اند گواه صادق این ادعایند.

^۱ مطالب مربوط به فرشیدورد از مقاله زندگی و شعر فرشیدورد اقتباس شده است.

اشعار فراوانی که مصرع اول مطلع برخی در زیر می‌آید:

-شکنجه دیده زندان شاهم ای یاران/ای میهن دیرین ما بدروود بدروود/ای خلق بپاخاسته مردانه بجنگید/ما شعر رزم با تن پر خون نوشته‌ایم/ای قهرمانان با جهانخواران بجنگید/ای شهیدان تا ابد در قلب ایران زنده‌اید/به شیران غران ایران درود/جانم به قربان تو ای سرباز ایران/ما نسازیم رها هیچ زمان سنگر خود/ و.....

شاعران دیگری از نسل دوم در دانشگاه نیز با فعالیتها و تلاش حرفه‌ای در شعر ظهور کرده‌اند که هر کدام جای بحث و بررسی دارند اما در این مقاله به جهت پیشگیری از اطناب صرفاً به نام آنها اشاره می‌گردد و تفصیل آن در کتاب شاعران دانشگاهی به قلم نگارنده قابل پیگیری است. شاعرانی چون دکتر ضیا موحد، دکتر منوچهر مرتضوی، دکتر کزازی، دکتر شمیسا، علی موسوی گرمارودی و... در ادامه نسل دوم قرار می‌گیرند اما چون از استادان دانشگاه تهران محسوب نمی‌شوند در این مقاله به آنها پرداخته نشده است اما در کتاب ((شاعران دانشگاهی)) به تفصیل سخن رفته است. در خاتمه ذکر می‌گردد خوانندگان محترم و علاقمندان عزیز میتوانند نسل سوم شاعران دانشگاه تهران و دیگر دانشگاه‌ها را به قلم همین نویسنده در شماره دیگر این مجله پیگیری باشند. نسل سوم به شاعرانی چون قیصر امین پور، سید حسن حسینی، محمد رضا ترکی، امید مجد، صابر امامی، محمد رضا روزه، حسن دلبری، محمد حسین محمدی، حمیرا زمردی و ... خواهد پرداخت.

نتیجه گیری

پرداختن به اشعار شاعران دانشگاهی که به صورت واحد هیچ سابقه‌ای در ایران ندارد، هم یک نیاز برای جامعه ادبی است و هم برای مخاطبان متمر ثمر تا جایگاه آنها در شعر فارسی و تاثیر و ضرورت حضور آنها روشنتر گردد.

در این مقاله که از سه نسل به دو نسل اول و دوم به ایجاز پرداخته شده است، با ذکر شاخصه‌ها و ارزشهای شعری و فکری آنها میتوان به این نتیجه رسید که حضور شاعران استاد برای ادبیات موجب استحکام، تداوم و اعتبار شعر و ادبیات فارسی هستند.

نسل اول با تکیه بر قالبها و نسبتا زبان گذشته، موضوعات و دیدگاههای جدیدتری را وارد شعر کردند تا با اثبات شعر متفاوتتر، خود را نیز به اثبات برسانند. استاد بهار به عنوان سردمدار این نحله ادبی سنگ بنای شعر استوارتر و فخمتر را با بیان حرفهای نو و زبانی تلفیقی نهاد و شاعران دوره او نیز تلاش بر این شیوه کردند که در پی تسلط بر ادبیات گذشته و ظرفهای آن همچنین هشیار از اوضاع روزگار خود اشعاری متفاوت و ماندگار خلق کردند.

نسل دوم با تکیه بر ادبیات کهن اما کمی جسورتر حرکتهای نسل قبل از خود را شتاب بخشیدند و در انتخاب قالب نیز پافراتر نهادند و قالب نیمایی را نیز تجربه کردند. شفيعی کدکنی و مظاهر مصفا به ترتیب با جسارت در شکل شعر و محتوا مسیر جدیدتر و متفاوتتری را بنیان نهادند و فرشیدورد بی هیچ ادعا از

پیشگامان ادبیات پایداری بود. توجه به زبان و بیان امروزیت و خلق فضای ملموس‌تر و عینی‌تر در موضوعات اجتماعی، غنایی و سیاسی و بعضاً فلسفی از ویژگیهای مهم‌تر شعر نسل دوم محسوب می‌شود. این حرکتها و تفاوتها که نشان از پویایی و حرکت شعر و شاعر دارند، همگی بیانگر تلاش و نقش مهم شاعران دانشگاهی در اثبات شعر نو و متبرند؛ به همین جهت شعر معاصر بدون شاعران دانشگاهی هم ناقص و هم در سلامت شعری به ویژه زبان ضعیف است.

منابع:

۱. از نیما تا روزگار ما، آرین پور یحیی، چاپ سوم، تهران، زوار، ۱۳۷۴.
۲. دیوان اشعار، بهار محمد تقی، چاپ هشتاد و دوم، تهران، نگاه، ۱۳۸۷.
۳. مروری بر ادبیات امروز ایران، حقوقی محمد، چاپ سوم، تهران، قطره، ۱۳۷۸.
۴. مرگ قو، حمیدی مهدی، چاپ اول، تهران، سخن، ۱۳۸۸.
۵. شبی هم در آغوش دریا، خلیلی عباس، اول، تهران، مروارید، ۱۳۷۴.
۶. آینه‌ای برای صداها، شفیعی کدکنی محمد رضا، چاپ اول، تهران، سخن، ۱۳۷۹.
۷. هزاره دوم آهوی کوهی، شفیعی کدکنی، محمد رضا، چاپ اول، تهران، سخن، ۱۳۷۶.
۸. سفرنامه باران، عباسی حبیب الله، چاپ اول، تهران، سخن، ۱۳۸۷.
۹. از بهار تا شهریار، محمدی حسنعلی، چاپ چهارم، تهران، ارغنون، ۱۳۷۹.
۱۰. گزیده اشعار، مصفاً مظاهر، چاپ اول، تهران، مروارید، ۱۳۹۱.
۱۱. ماه در مرداب، ناتل خانلری پرویز، چاپ چهارم، تهران، معین، ۱۳۸۷.
۱۲. ادبیات معاصر، نوروزی جهانبخش، چاپ اول، شیراز، راهگشا، ۱۳۷۵.
۱۳. چشمه روشن، یوسفی غلامحسین، چاپ یازدهم، تهران، علمی، ۱۳۸۶.
۱۴. صلاى عشق، فرشیدورد خسرو، چاپ اول، تهران، امید مجد، ۱۳۸۰.

مقاله:

- ۱- زندگی و شعر فرشیدورد. پروانه ناظم‌الرعا، امید مجد. سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، شماره ۱۸ زمستان ۱۳۹۱